

# باخت بنی صدر در بازی قدرت در حاشیه رویدادهای اخیر

## حاکمیت دوگانه و ادامه تضاد

از فردای قیام بهمن روشن بود که بازی قدرت در حاکمیت دوگانه‌ی خرده‌بورژوازی ناتوان و بورژوازی دست دوم (با صلاحت لیبیرال) ایران تازمانی که یکی از دو جناح قدرت سیاسی را بطوریکبارچه، بلامنازع و یگانه قبضه نکرده کماکان وبافت و خیزهای موسمی ادامه خواهد یافت. اشغال سفارت آمریکا عجلت بازرگان، نهضت آزادی و شریعتمداری را از مدار قدرت دور کرد. لیکن دیری نیاشد که خرده‌بورژوازی ناتوان مجبور شد سهم بیشتری از قدرت سیاسی را به بورژوازی واگذار کند. در این میان هر یک از دو جناح حاکم کوشیده بطرقی متفاوت از دیگری در میان نیروهای اجتماعی متحدانی برای خود دست و پا کند. خرده‌بورژوازی از همان آغاز به حمایت وسیع توده‌های اتکا داشت و به همین دلیل هیچگاه به حقوق برابر در اتحاد با این یا آن نیرو تن در نداد. اتحاد (و وحدت) از دیدگاه خرده‌بورژوازی خیابان یک طرفه‌ای بود که در انتهای آن حزب جمهوری اسلامی، روحانیت و سایر نهادهای مربوط بدان قرار داشتند. بدین سان هرنیرو، سازمان، حزب و جناحی که خواهان سهمی در قدرت سیاسی بود یا باید بکسر شرایط یکسویه حزب جمهوری اسلامی را می‌پذیرفت یا بکلی میدان را خالی می‌کرد. حزب جمهوری اسلامی هیچگاه در صدد اتحاد با مجاهدین (با هیچ نیروی مترقی دیگری) بر نیا مدلیکه اساسا خواستار انحلال تشکیلاتی، سیاسی وایدئولوژیک این سازمان در حزب یا شده بود. و این همه البته و تنها فقط به برکت یک پایگاه توده‌ای وسیع امکان پذیر بود. خرده‌بورژوازی این پایگاه را در اختیار داشت. به همین دلیل که حزب، دولت یا نهادهای اجتماعی دیگری نتواند به تنهایی وبدون اتکا به دیگر نیروها قدرت سیاسی را در دست داشته باشد، اساسا بازی به شریک کردن دیگری در قدرت سیاسی ندارد. خرده‌بورژوازی چنین قدرتی را در خود میدید. و میبندد، بر عکس بازرگان، بنیستی صدر و بورژوازی ایران که فاقد یک پایگاه توده‌ای وسیع هستند همواره کوشیده‌اند با حفظ موضع قدرت، نظربرخیز از نیروهای مترقی را برای همکاری واتحاد جلب کنند. فتوای بازرگان (باتمام تزلزل و تدبیش) در تأیید مسعود رجوی برای مجلس شورا، مذاکرات پنهان وآشکار ربنی صدر با اعضای برجسته سازمان مجاهدین خلق، افشای ضمنی سرکوب مجاهدین و نیروهای مترقی و کودتا علیه شخص رئیس جمهوری در ۱۵ خرداد از سوی بنی صدر (اخبار رادیو ۱۲ خرداد) وغیر آن گواه روشن این مدعا است.

هفته پیش سرانجام خمینی آخرین کلام را در مورد مجاهدین خلق به زبان آورد و بدین سان فصلی جدید در فضای اختناق و سرکوب نیروهای انقلابی رقم زد. امانت و پیش از هر چیز به این چند سطر توجه کنید:

"من نجف که بودم، یک نفر از همین افراد آمد قیام از این بود که آن منافقین بیداشوند آمد پیش من، شاید بیست روز بعضی میگفتند بیست و چهار روز مدتی بود هر روزی آمد آنجا و روزی شاید دو ساعت آمد، صحبت کرد، از نهج البلاغه از قرآن حرفهای رازد من یک قدری به نظرم آمد که این وسیله است... این ظاهر دوستانه کارشان مشکل تر از آن غیر دوستانه است... این که در صدر اسلام این کلمه مکرر وارد شده است که اگر کسی قرآن را به رای خودش تفسیر کند "فیتبوع مقعده من النار" جایش در آتش است. سپس یکی از دانشجویان سوال کرد: در مقابل، موضع ما چگونه باید باشد؟ امام در جواب فرمودند: موضع شما همین است که با آنها خیلوسی دوسانه نباشید البته نباید در شان کرد، نباید درگیری با آنها کرد." (سخنرانی امام در حضور جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در تاریخ ۵۸/۳/۲۳)

چنان که بیداست تاریخ سخنرایی به یکسال پیش باز میگردد پس حمله‌ی بی برده و صریح خمینی به مجاهدین چیرنازه‌ای نیست اما جندک خیمی سیاست سابقش را دایر بر اینکه "موضع شما همین است که با آنها دوسانه نباشید. البته نباید در شان کرد، نباید درگیری با آنها کرد" تغییر داد و صریحا مجاهد و سایر نیروهای انقلابی را دشمن اصلی و عامل تمامی نابسامانی‌های اقتصادی - اجتماعی معرفی کرد.

## شدت یابی تضادها

شک نیست که در طول یک سال ونیم گذشته برای تری کفایتی وعدم لیافت حاکمان جدید، رشد فزاینده ناراضی عمومی، درهم شکستن "توهم بیروزی" در مردم وغیر آن، مجاهدین به اتکاء ببنوانه‌ی غنی مبارزاتی گذشته خود سریعآ رشد کردند. و بساز بریدی نیست که هیئت حاکمه ارتجاعی ایران از گسترش دم افزایی مجاهدین سخت بوخت افتاده است لیکن چنانچه تصور کنیم بیگانه هدف خمینی در ایراد سخنرانی اخیر فرود کوبیدن مجاهدین و به تبع آن جنبش خلق بوده است، به خطا رفته ایم. برعکس، به یقین میتوان گفت که سخنرانی خمینی هدفهای متعددی را دنبال میکند.

## سخنان آیت و اوج گیری بحران

بنی‌صدر با افشای نوار سخنان "توطئه امیر" آیت‌کوشیدم موازنه قدرت را بطرف خود بیلند. بهمین دلیل روزنامه "انقلاب اسلامی" و هواداران بنی‌صدر جنگ قلمی گسترده‌ای برآه انداختند. اظهار نگرانی قدرتمندان حکومتی، حزب جمهوری اسلامی، روحانیت و... از هرسودت گرفت. بنی‌صدر طی سخنرانی خود در رشت از مردم خواست که عملاً وفاداری خود را به شمار "بنی‌صدر حمایت می‌کنیم" ثابت کنند. البته در مرحله نخست انتظارات بنی‌صدر از افشای طرح کودتای آیت و توطئه "علیه جمهوری اسلامی" برآورده نشد لیکن بیم آن میرفت که با اوگیری تضاد میان جناح‌های حاکم موقعیت حزب جمهوری اسلامی و روحانیت حامی آن دستخوش مغایرت جدی شود. موقع آن فرار سیده بود که "منجی نهایی" دست بکار شود و حزب را از خطر حتمی نجات دهد. خمینی بلافاصله شورای انقلاب و بنی‌صدر را فراخواند و نگرانی عمیق خود را از کشیده شدن اختلافات درونی به روزنامه‌ها و طرح علنی آن اظهار کرد. پیش از این هرگاه خرده‌بورژوازی در فشار قرار می‌گرفت مستقیماً "حریف" را هدف نمی‌گرفت، بلکه زیرپوش مسئله‌ای خاص جناح مقابل را از مدار قدرت دور می‌کرد. جنگ شهریور ماه سال پیش در کردستان در اوج ضعف و ناتوانی خرده‌بورژوازی به وقوع پیوست و تحت پوشش اشغال سفارت آمریکا جناح بازرگان رسماً کنار گذاشته شد. اما این بار مسئله اندکی تفاوت می‌کرد چرا که از سویی ناراضی عمومی و مبارزه طبقاتی در عرصه جامعه دمیدم فزونی می‌گرفت و هر آن انتظار می‌رفت که گسترش ناراضی‌های عمومی مستقیماً متوجه شخص خمینی شود و از سوی دیگر بنی‌صدر به انکاء مجاهدین خلق بعنوان متحدی که از یک پایگاه توده‌ای نسبتاً وسیع برخوردار است، کار را یکسره کند. حقیقت اینست که مجاهدین نیز این اواخر بیش از پیش درگیری با زی قدرت میان جناح‌های حاکم شده بودند و با گذشت زمان این نکته به اثبات می‌رسید که آنان بیش از هر چیز به تضادهای جناح‌های حاکم چشم دوخته‌اند تا بسیج توده‌ای مردم.

در شرایط عادی و غیر انقلابی معمولاً دولت‌ها می‌کوشند چنین وانمود کنند که بر فراز جامعه و تضادهای قراردادارند و از صیغه‌ای فراطبقاتی برخوردارند. انعکاس این وضع در ذهنیت مردم به نحوی است که آنان نیز تا فرارسیدن موقعیت انقلابی تنها به بعضی از تضادهای جامعه حمله می‌کنند و معمولاً کل نظام را هدف نمی‌گیرند. در شرایط انقلابی این وضع دگرگون می‌شود و اعتراض‌های فردی به تضادهای خاص جامعه به اعتراضات دست‌جمعی به کل تضادهای جلوه‌گاه با رزان یعنی دولت بدل می‌گردد. در نظام‌های شرقی این نقش را عمدتاً یک فرد (و در مواردی اندک) چند فرد ایفا می‌کنند. چنین حالتی به حاکمان وقت فرصت می‌دهد که با پنهان داشتن خود از چشم مردم تضادهای کم‌اهمیت را به عنوان مسئول تمام نابسامانیهای اقتصادی و اجتماعی معرفی کنند. امام امت نیز کوشیده بود با اجتناب از حمله مستقیم به مجاهدین و عدم موضعگیری آشکار بنبغ یکی از دو جناح حاکم همین نقش را بازی کند. لیکن بالا گرفتن تضاد میان حزب جمهوری اسلامی و بنی‌صدر از یک سو و کوشش بنی‌صدر برای یافتن

متحدان تازه نفس در عرصه سیاست ایران از سوی دیگر برده‌ها را بکناری زد و خمینی شخما "وارد عمل شد. در این میان مسئله دیگری هم آتش خشم حزب جمهوری اسلامی را دامن زد و آن اینکه بنی‌صدر رسمی کرده بود پیروزی نصیبی و موقتی خود را در جریان "انقلاب فرهنگی" و بیورش به دانشگاہها با افشای نوار توطئه آیت تکمیل کند و از این راه حزب جمهوری اسلامی را یک کام دیگر بمغف بنشانند. البته رهبران حزب جمهوری یا کاملاً موضوع را بسکوت بر گزار کردند یا آنرا بعنوان اظهار نظر شخصی یکی از اعضای حزب از سر خود باز کردند. روشن است که تمامی این ترفندها نتیجه‌ای دربر نداشت و از این رو باید جهت حمله متوجه نیروی دیگری میشد. رویداد خونین امجدیه به ابعاد بحران افزود. عمل چماقداران حزب الهی مستقیماً مورد حمله بسیاری از نیروهای مترقی و انقلابی و حتی پاره‌ای از مقامات مملکتی قرار گرفت. حزب جمهوری اسلام که نتوانسته بود نقشه‌های خود را در مورد سرکوب مجاهدین و سایر نیروهای انقلابی و نیز تصفیه عناصر آگاه و انقلابی (تحت عنوان عمال رژیم گذشته) رادر پانزده خرداد عملی کند. موقعی که رافتمتم شمرده و حمله را آغاز کرد. نطق خمینی در جمع انجمن‌های اسلامی کارگران که به خودی خود معنای خاصی در برداشت و نیز تبلیغات وسیع و همه‌جانبه‌ای که از طریق رادیو تلویزیون و مطبوعات وابسته به رژیم انجام گرفت و تاکنون بیسابقه بوده است در واقع از اهمیت خاصی مسئله حکایت می‌کند. خمینی در سخنرانی خود تصریح کرده که: منافقین، به مراتب خطرناکتر از کفار هستند و با بیان این نکته که "آنکس که می‌گوید مسلمان هستم و برضد اسلام عمل می‌کند و می‌خواهد برضد اسلام عمل کند او هست که در قرآن بیشتر از آنها تکیذ شده است تا دیگران. ماسوره منافقین داریم اما سوره کفار نداریم" (جمهوری اسلامی پنجمین ۵ تیر ماه ۵۹) یکسره آب پاکی را روی دست بنی‌صدر و مجاهدین ریخت. بنی‌صدر به رسم معمول سکوت اختیار کرد و تنها به ذکر این نکته اکتفا کرد که "استعفا را نوشته و نزد امام گذاشته‌ام تا هر وقت از خط انقلاب و مکتب بیرون رفتن آن را منتشر کنند". متعاقب آن مجاهدین با صدور اعلامیه‌ای اعلام داشتند که به منظور اجتناب از هرگونه تشنج و بر زمین ریختن احتمالی خون افراد بیگناه و جلوگیری از سوء استفاده‌های امپریالیسم ضد انقلاب موقتا "تاروشن شدن حقوق قانونی و سیاسی خود بر طبق قانون اساسی و ابراز نظر سریع مقامات مسئول کشور در این باره کلیه مراکز و دفاتر سازمانی خود را تعطیل اعلام می‌کنند" (با مدا یکشنبه ۸ تیر ماه ۵۹) مجاهدین موقتا "عقب نشستند، لیکن چنان که انتظار می‌رفت حملات ارتجاع نه تنها کاهش نیافت بلکه با دامنه‌ای به مراتب وسیع تر از پیش گسترش پیدا کرد.

## انقلاب اداری خرده‌بورژوازی

خمینی در سخنرانی بعدی خود در جمع خانواده‌های شهدای انقلاب (که با معنای خاصی به مسئله می‌بخشد) ظاهراً و به بهانه وجود آرم‌ها و عنوان‌های طاغوتی و شاهنشاهی در ادارات مرحله دوم طرح شکست خورده ۱۵ خرداد را به اجراء آورد. حالا نوبت به تمفیه و پاکسازی عناصر ضد انقلاب

برای تحقق آرمان‌های واقعی زحمتکشان؛ انقلابی دگر باید

در کارخانه‌ها، ادارات، و مؤسسات دولتی رسیده بود. البته از مدت‌ها پیش لیست عناصر "اخلالگر" تهیه شده بود و در پاره‌هایی از موارد تصفیه‌هایی صورت گرفته بود لیکن اینبار باناله‌وشیونی که امامت در میان حاضران در مجلس ——— انگیخت و متعاقب آن تبلیغات تهیجی گروه‌هایی که از طریق رسانه‌های همگانی صورت پذیرفت، به مسئله "پاکسازی در کارخانه‌ها و ادارات ابعادی تازه بخشید. زرمه‌هایی به گوش می‌رسد مبنی بر اینکه قرار است اعضای جهاد سازندگی جایگزین شمار بزرگی از معلمان کشور شوند.

## باخت بنی صدر در بازی قدرت

هنگامی که غبار ناشی از یادهای موسمی جنگ خرد به ——— روزوازی علیه بورژوازی بکنار رفت بنی‌صدر بازی را باخته بود. متن توافقنامه "شورای انقلاب و بنی‌صدر که در آن گفته شده است "با افراد گروه‌هایی التقاطی ناوقتی بر عقیده التقاطی هستند همکاری و وحدت میسر نیست اما دشمنی و رفتار خشن و زور ——— کویانه نیز جزء در مقام مقابله به مثل جایز نیست" (بامداد ۸ تیرماه ۵۹) شاهد روشن این مدعا است. بنی‌صدر بازی را آشکار باخته بود و باید از خیر احاد با مجاهدین میگذشت. اما بند دوم ماده "احبر یعنی "اماد سنی و رفتار خشن... " و نیز این ماده که "گروه‌هایی که بر طبق فاسون اساسی امکان فعالیت دارند ناوقتی بد رویه، حسودت بکرویده‌اند و به نوطنه دست نرده‌اند و تحت آزاد را غنی بکرده‌اند، باید در حدود قانون اساسی فعالیت آنها حفظ شود و با لاتفاق با هر شیوع حلیت مخالفت شود." (همانجا) پس از هر چیز نمایانگر ضعف حاکمیت سیاسی رژیم، اختلاف در روش سرکوب و بدستگیری آن با توانایی رژیم در سرکوب نیروهای مرفعی و انقلابی است. ماده دیکر این توافقنامه مبنی بر آنست که هیچکس و هیچ‌کروه اسلامی نباید قدرت خود را در ضعف دیگری بجوید و... نظایر آن را در برای سازش مجدد دو جناح حاکم هموار کرد و در عین حال بنی‌صدر راه‌های خود ساخت. البته تک نیست که سارس احبر بمعنای پایان درگیری‌های جناح‌های حاکم نیست بلکه انعکس آنها نمایانگر حاکمیت یک دوره کامل از تصادهای درونی است. هاست حاکمه و آغاز قطعی جدید از درگیری‌های آسی است.

## مجاهدین در چنبره تضادهای هیئت حاکمه

در طول یکسالونیم پس از قیام بهمن، رهبری مجاهدین هرچه بیشتر به راست‌گرایی یافت. مابیش از این در شماره‌های گذشته‌رهائی به تفصیل به خط مشی و سیاستهای مجاهدین ——— پرداخته‌ایم و در اینجا به اجمال تنها رابطه سخنرانی اخیر خمینی را با عملکرد این سازمان مورد بررسی قرار خواهیم داد. رهبری مجاهدین از فردای قیام بهمن در قبال بسیجاری از مسائل حاد جامعه موضعی بینابینی را برگزید و بر همین منوال ابتدا فدائیان خلق را بدلیل دخالت در جنگهای ترکمن صحر

مورد سرزشتش قرار داد و حتی آنان را متهم کرد که عملاً "آب به آسیاب امپریالیسم ریخته‌اند. با آغاز جنگ دوم کردستان مجاهدین در قبال جنایات بیشمار رژیم ساکت ماندند و همچنان از موضع‌گیری آشکار به نفع یک طرف و علیه طرف دیگر اجتناب کردند. همین مسئله در جنگ سوم کردستان و تا همین زمان ادامه دارد. در خلال تسخیر سفارت آمریکا رهبری سازمان اعلام داشت که با تمام قوا از مبارزه ضد امپریالیستی رژیم حمایت خواهد کرد. مقدمات تشکیل میلیشای مجاهدین برای مقابله با توطئه حمله نظامی امپریالیسم امریکادر همین زمان شکل گرفت. این اواخر پس از پیاده شدن کماندوهای امریکائی در طربس مجاهدین یکسره میلیشای خود را مکلف به اطاعت از "برادران پاسدار" کردند مشروط بر اینکه از آن در رویدادهای داخلی استفاده نشود. مجاهدین تنها خواستار "مبارزه علیه حمله" نظامی امپریالیسم بودند و هیچگاه از پایگاه داخلی آن سخنی بمیان نیاوردند. در خلال انتخابات ریاست جمهوری کاندیدای مجاهدین خلق به "اشاره" و فتوای خمینی ساده‌تر از آنچه انتظارش میرفت کناره گرفت و تنها بایک "شکر" خشک و خالی از مردمی که در برنامه مجاهدین دست کم تحقق بخشی از خواسته‌های خود را امید دیدند قضیه را فیصله داد. در هر حال مجاهدین کوشیدند بهر تریبی نده مستعیما "با" امامت "درگیر نشوند. لیکن خمینی در هر فرصت بطور یوسیده از کوبیدن مجاهدین دریغ نمی‌کرد. طرفه آنکه همزمان با صدور اعلامیه مجاهدین سنی بر اینکه "بمطور جلوگیری از سوء استفاده‌های امپریالیسم و فدائقلاب... کلیه مراکز و دفاتر سازمانی خود را تعطیل اعلام میکنیم" فقط زاده وزیر امور خارجه دولت "دما امپریالیستی" جمهوری اسلامی در مباحثه با مجلسه باری مازج اظهار داشت که: "مخالف کار مجدد امریکائی‌ها در ایران نیست اما بشرط آنکه این کار همانگونه که به نفع امریکائی‌هاست بسع مایر باشد." (بامداد یکشنبه ۸ تیرماه ۵۹) اکنون و در شرایط فعلی و پس از سخنرانی "امام امت" در مورد "امریکائی بودن مجاهدین و سایر نیروهای مرفعی و انقلابی پاسخ مجاهدین به هواداران و اعضای خود چه خواهد بود. در هر حال رهبری شار از شکایاتی است که هواداران این سازمان از راست روی رهبری و مواضع بینابینی آن میکنند. در هر حال رهبری مجاهدین از این پس مجبور خواهد بود که در قبال فشارهای هیئت حاکمه و عدالته شخص خمینی واکنش نشان دهد. واقعیت این است که سازمان مجاهدین در طول این مدت در اثر سیاست‌های غلط و نیز فشار هیئت حاکمه ارتجاعی ایران رفته رفته ترجیح داد که به جای تکیه بر نیروی توده‌های زحمتکش ایران به حمایت از یک جناح علیه جناح دیگر بپردازد. سازمانی که روزگاری مبارزه مسلحانه را در سرلوحه برنامه‌های مبارزاتی خود قرار داده بود (و هم امروز هم مدعی ادامه این راه است) به تدریج درگیر بازی قدرت شد. در این میان شک نیست که تمایلات پارلمانتاریستی در رهبری هرچه بیشتر قوت گرفت. در هر صورت مجاهدین بانطق اخیر

خمینی و سکوت بنی‌صدر که تنها در روش سرکوب یا جناح مقابله اختلاف دارد، پاداش این سیاست خود را دریافت کردند. اگندون پرده‌ها بکناری رفته و مجاهدین علنا "مورد تعرض و حمله" ارتجاع قرار گرفته‌اند. عقب نشینی اخیر این سازمان در قبال سخنان خمینی تنها نمایانگر این واقعیت است که رهبری هنوز تصور می‌کند که در صورت عقب نشینی در برابر ارتجاع و سرما - به‌داری لبه تیز حمله آنان را کند خواهد کرد، غافل از این‌که هرگامی که مجاهدین یا سایر نیروهای مترقی به عقب بردارند، ارتجاع چند گام به جلو بر خواهد داشت و حتی در صورت ادامه این سیاست بر تخریب و سرکشی آن افزوده خواهد شد.

از این رو چنان که انتظار میرفت اینبار حملات ارتجاع آشکارا و بدون هیچ‌گونه پرده‌پوشی فزونی گرفت. آیت - الله منتظری "فقیه عالم‌قدر" آینده، خامنه‌ای امام جمعه، تهران، سازمان ارتجاعی مجاهدین انقلاب اسلامی و شماری بزرگی از فرقیچه‌های ارتجاع و سرمایه‌داری بدترین دشمنان را نشان مجاهدین و هواداران نشان کردند. در این بین، مجاهدین انقلاب اسلامی حتی با از این هم فرار ننهادند و چیزی هم طلبکار شدند و طی اعلامیه‌ای کادر رهبری مجاهدین را منبهم کردند که "با اعلام تعطیل دفاع خود می‌خواهند واسه کند که ندیدند" تحت فشار است و حقان بیداد می‌کند" (جمهوری اسلامی دوشنبه ۹ تیرماه) آبا جز این است که تاثیر بخشی حملات و قاجار عمده ارتجاع و اگر سرمایه‌داری به مجاهدین دقیقا "حامل سیاست بینامینی، نادرست و راست‌رواسته" رهبری است. روش است که از این پس با اندازه زیادی راه سیاست شترسواری دولا دولا بسته خواهد شد. از این پس هر حرکت مخالف از سوی مجاهدین با عکس‌العمل تند نحسی خمینی مواجه خواهد شد. رهبری مجاهدین دوره در پیستش دارد: "باید بکسره به سیاست‌گروهها تا وقتی اسلام رادر جامعیت خویش تیدیرفته‌اند وحدت بنیادی ممکن نیست" (متن توافقنامه شورای انقلاب... با مداد ۱ تیرماه) و "وحدت بر اساس مکتب نه‌سازش" (بهشتی صدای جمهوری اسلامی بکشنبه ۸ تیرماه) تمکین کند با یک‌بار برای همیشه دشمن واقعی راه مردم بنمایاند و این قدر مردم و هواداران خود را در مارش کنگ و ناروش "نضاد خلق و امیرالیم" دچار سردرگمی و بلاتکلیفی نکند.

به آنچه گفته شد باید افزود که وظیفه نیروهای کمونیست و مترقی در این شرایط و در سال سورتهای ارتجاعی بسته مجاهدین اینست که در عین دفاع فاطعانه از اساس سازمان و افشای ماهیت نمکین نوطنه‌های ارتجاع و سرمایه‌داری غلبه نیروهای انقلابی، از افشای سیاستهای سازش طلبانه در رهبری سازمان نیز کوتاهی نکنند.

